



## روش تضمینی یک استاد عرفان برای رسیدن به مقامات معنوی

از جمله اموری که ایشان نسبت به آن توصیه اکید داشت نماز اول وقت بود. دست خطی از آیت‌الله قاضی بر جای مانده است که در آن نوشته‌اند: «اگر نماز را تحفظ کردید، همه چیزتان محفوظ می‌ماند» و پای آن را امضا کرده‌اند.

از جمله اموری که ایشان نسبت به آن توصیه اکید داشت نماز اول وقت بود. دست خطی از آیت‌الله قاضی بر جای مانده است که در آن نوشته‌اند: «اگر نماز را تحفظ کردید، همه چیزتان محفوظ می‌ماند» و پای آن را امضا کرده‌اند.

به گزارش اینکنا، ششم ربیع الاول مصادف با سالروز رحلت آیت‌الله سیدعلی قاضی طباطبایی از عارفان بزرگ عالم اسلام است. آیت‌الله قاضی در ۱۳ ذی‌الحجه ۱۲۸۲ قمری (مصادف با ۹ اردیبهشت ماه سال ۱۲۴۵ شمسی) در شهر تبریز متولد شد. سیدعلی فرزند سیدحسین قاضی از شاگردان میرزای شیرازی، فقیه شهیر بود که پس از تحصیل به زادگاهش تبریز بازگشت. وی دروس مقدماتی را در تبریز گذراند و سپس راهی شهر نجف شد. آیت‌الله قاضی در نجف از محضر بزرگانی چون آخوند خراسانی، شیخ الشریعه، سیدمحمدکاظم یزدی و سیداحمدکربلایی بهره برد و در سن ۲۷ سالگی به درجه اجتهاد رسید. از ایشان آثار پراکنده‌ای بر جای مانده است؛ از جمله شرحی ناتمام بر دعای سمات، تفسیر آیاتی از سوره انعام و تضحیح الارشاد شیخ مفید. قاضی علاوه بر کتاب الارشاد، بر برخی کتاب‌های دیگر نیز تعلیقات نوشته است؛ از جمله بر مثنوی مولوی و فتوحات ابن عربی، که هیچ‌یک تا کنون منتشر نشده است. همین ارادت ویژه نسبت به مولوی و ابن عربی، بعدها به عاملی برای طعن و هجو ایشان از سوی برخی علما بدل باشد.

پدر سیدعلی که خود اهل سلوک بود، از همان آغاز تحصیل، بر تربیت معنوی فرزند خویش اهتمام داشت و به همین جهت در همان ابتدا وی را برای مدتی تحت تعلیم امام علی نخجوانی قرار داد. پس از مهاجرت به نجف، حضور در حلقه شاگردان ملاحسینقلی همدانی همچون حضرات آیات محمد بهاری و سیداحمد کربلایی آتش معرفت را در وجود او بیش از گذشته شعله ور کرد و تحت تربیت اساتید خویش در مسیر سلوک گام نهاد.

عظمت معنوی آیت‌الله قاضی طباطبایی در پرتو آشنایی با شاگردان وی میسر است. علامه طباطبایی، سیدهاشم حداد و حضرات آیات بهجت، عباس قوچانی، سیدعبدالکریم کشمیری، حسنعلی نجابت و محمدتقی آملی از جمله شاگردان ایشان بودند. علامه طباطبایی، روش تفسیری خود را مرهون استادش، آیت‌الله قاضی می‌دانست و تصریح داشت: «ما هر چه داریم از قاضی داریم. قاضی در تفسیر قرآن کریم ید طولایی داشت و این سبک تفسیر آیه به آیه را آقای قاضی به ما تعلیم داد و ما در تفسیرالمیزان، از مسیر و روش ایشان پیروی می‌کنیم. ایشان در فهم معانی روایات وارده از ائمه معصومین(ع) ذهن بسیار باز و روشنی داشتند و ما طریقه فهم احادیث را که فقه الحدیث گویند از ایشان آموخته ایم.»

روش تضمینی آیت‌الله قاضی برای رسیدن به مقامات عرفانی

نقل قول‌ها و خاطرات درباره سجایای اخلاقی و مقامات عرفانی سیدعلی قاضی طباطبایی بسیار است. همچنین توصیه‌هایی از ایشان برای عموم مردم بیان شده است که می‌تواند راهنمای علاقه‌مندان به گام نهادن در این وادی باشد. از جمله اموری که ایشان نسبت به آن توصیه اکید داشت نماز اول وقت بود. دست خطی از آیت‌الله قاضی بر جای مانده است که در آن نوشته‌اند: «اگر نماز را تحفظ کردید، همه چیزتان محفوظ می‌ماند» و پای آن را امضا کرده‌اند.

آیت‌الله بهجت در این رابطه می‌گفت: «بعضی از اساتید اخلاق [آیت‌الله قاضی] در نجف می‌گفتند: من ضامنم کسی که این نمازهای پنج‌گانه را در اول وقت بخواند، به مقامات عالی می‌رسد. خیلی کلام بزرگی ایشان گفت، گفت: اگر نمازهای پنج‌گانه را در اول وقت بخواند، باز هم نرسید به آن مقامات عالی، به من لعن کند. خیلی عجیب است! خیلی عجیب است! معلوم می‌شود این، چیزی هم نیست؛ هر کاری دارد، یکی از این نمازهای پنج‌گانه را می‌تواند در وسط آن کارها انجام دهد؛ چون اول وقت است.»

وقتی یکی از شاگردان آیت‌الله بهجت از ایشان درباره کیفیت این نماز سوال می‌کند و اینکه آیا مقصود آیت‌الله قاضی نماز با حضور قلب بوده است یا خیر، ایشان پاسخ می‌دهد: «نه، اگر نماز با حضور قلب [مرادشان باشد]، آن وقت سؤال می‌کنند که چگونه نماز [با حضور قلب] را بخواند؟ به چه سببی بخواند نماز کامل را؟ اینکه چیزی به دست نداد. وقتی چیزی به دست می‌دهد که بگوید مطلق نماز، مطلق نماز را کسی مقید باشد در اول وقت، به نماز عالی می‌رسد. می‌رسد خودش، تکویناً! شیئاً فشیئاً، روزه روز می‌رود بالاتر.»

یکی دیگر از توصیه های ایشان اهتمام به اقامه نماز شب بود. آیت الله بهجت در این زمینه می گفت: «در مجلس اول ملاقات مرحوم علامه طباطبایی با استاد اخلاقی خود مرحوم آقا سید علی قاضی، مرحوم قاضی به ایشان فرمود: فرزندم! اگر دنیا می خواهی نماز شب بخوان، اگر آخرت هم می خواهی نماز شب بخوان.» دوری از انزوا و حضور در جامعه

یکی از ویژگی های اخلاقی آیت الله قاضی عطوفت و رسیدگی به حال عموم مردم و حضور بی واسطه در میان اقشار جامعه و پرهیز از انزوا و عزلت طلبی بود. داستان معروفی از ایشان نقل شده است که به این ویژگی اشاره دارد. آیت الله بهجت این ماجرا را چنین روایت می کند: «یکی از اعلام نجف می گفت: روزی به دکان سبزی فروشی رفته بودم؛ دیدم مرحوم قاضی خم شده و مشغول سوا کردن کاهو است ولی بر خلاف معمول، کاهوهای پلاسیده و دارای برگ های خشن و بزرگ را برمی دارد. من مرحوم قاضی را کاملاً زیر نظر داشتم، تا اینکه وی کاهوها را به صاحب دکان داد و وزن کرد و مرحوم قاضی آنها را در زیر عبا گرفت و روانه شد. من که در آن وقت طلبه جوان بودم و مرحوم قاضی، مرد مسنّ و پیرمردی بود، به دنبالش رفتم و عرض کردم: آقا، من سؤالی دارم؛ شما به عکس همه، چرا این کاهوهای غیر مطلوب را سوا کردید؟

مرحوم قاضی فرمود: آقا جان من! این مرد فروشنده، شخص بی بضاعت و فقیری است و من گاه گاهی به او مساعدت می کنم. نمی خواهم چیزی به او بلاعوض داده باشم تا اولاً عزّت و شرف و آبروی او از بین نرود و ثانیاً خدای ناخواسته به مچّانی گرفتن عادت نکند، و در کسب نیز ضعیف نشود. و برای ما نیز فرقی ندارد که کاهوهای لطیف و نازک بخوریم یا از این کاهوها. و من می دانستم که این ها بالاخره خریداری ندارد و ظهر که دکان خود را می بندد، به بیرون خواهد ریخت؛ لذا برای اینکه او ضرر نکند، مبادرت به خریدن آنها کردم.»

ایشان در وصیت نامه خود توصیه های اخلاقی ارزشمندی را خطاب به عموم مردم بیان می کنند. در بخشی از وصیت نامه می خوانیم: «دیگر آن که، گرچه این حرف ها آهن سرد کوبیدن است، ولی بنده لازم است بگویم؛ اطاعت والدین، حسن خلق، ملازمت صدق، موافقت ظاهر با باطن، ترک خدعه و حيله، تقدم در سلام، و نیکویی کردن با هر بر و فاجر، مگر در جایی که خدا نهی کرده این ها را که عرض کردم و امثال این ها را مواظبت نمایید. الله الله که دل هیچ کس را نرنجانید. تا توانی دلی به دست آور دل شکستن هنر نمی باشد.»

آیت الله قاضی طباطبایی در اواخر عمر به بیماری استسقاء مبتلا شد و در ششم ربیع الاول سال ۱۳۶۶ قمری (مصادف با بهمن ماه سال ۱۳۲۸ شمسی) در سن هشتاد سالگی درگذشت. آیت الله سیدجمال گلپایگانی بر پیکر وی نماز خواند و در قبرستان وادی السلام به خاک سپرده شد.

در پایان بخشی از سخنان مقام معظم رهبری در دیدار اعضای ستاد برگزاری کنگره بزرگداشت حضرت آیت الله سید علی قاضی از نظر می گذرد؛

«ایشان علاوه بر مقامات معنوی و عرفانی خودشان، شاگردان زیادی را هم تربیت کردند که این خیلی با ارزش است؛ شخصیت های بزرگی که ما بعضی از اینها را ملاقات کردیم، زیارت کردیم؛ مرحوم آقای طباطبائی، مرحوم آقای آسید محمدحسن الهی - اخوی ایشان - مرحوم آقای امیرزا ابراهیم شریفی - که داماد مرحوم آقای قاضی بودند، در زابل بودند و جزو شاگردان برجسته ی آقای قاضی بودند - مرحوم آقای حاج شیخ عباس فوجانی، و در این اواخر هم مرحوم آقای بهجت؛ بزرگان دیگری هم بودند، مثل مرحوم آقای حاج شیخ محمدتقی آملی، مرحوم آقای حاج شیخ علی محمد بروجرودی و شخصیت های متعدد دیگری.

ایشان پیش مرحوم آسید مرتضای کشمیری تلمذ نمی کرده، از مصاحبت او استفاده می کرده؛ لکن در همان کتاب یا در نوشته های مرحوم آقای آسید محمدحسین طهرانی دیدم مرحوم آقای قاضی می گوید من نماز خواندن را از آسید مرتضای کشمیری یاد گرفتم. شما ببینید معانی این کلمات چقدر عمیق است. این مرد عارف بزرگی که سال ها پیش پدرش در تبریز تربیت شده بود و پیش رفته بود، وقتی می آید نجف [و] ده سال پیش مرحوم آسید مرتضای کشمیری می ماند، می گوید من نماز خواندن را از او یاد گرفتم. آن وقت شاگردهای مرحوم آقای حاج میرزا علی آقای قاضی نقل میکنند که ایشان با همه گرفتاری - خیلی گرفتار بوده در زندگی، عائله ی سنگین و فقر و مشکلات - وقتی وارد نماز می شد، از همه دنیا غافل می شد؛ یعنی آنچنان غرق در ذکر و خشوع و توسّل در حال نماز بود که از همه ی عالم فارغ می شد.

هیچ اهل بُروز مکاشفات و مانند اینها هم نبودند؛ خب خیلی چیزها از آنها نقل شده - نقلیات موثقی که در مورد عجایب زندگی مرحوم آقای قاضی که به نظر ماها عجایب است نقل شده، یکی دو تا نیست؛ موثق هم هست، آدم یقین پیدا می کند از صحت طرّقی که دارد - لکن اصلاً اینها در زندگی این بزرگوارها اهمیتی ندارد، نقشی ندارد. خود ایشان هم به شاگردهایشان می گفتند؛ می گفتند اگر چنانچه يك حالت مکاشفه ای برایتان دست داد اعتناء نکنید، کارتان را بکنید، ذکرتان را بگوئید، آن حالت خشوع را

حفظ بکنید؛ یعنی مقامات اینها این است».